

حال به متن زیر توجه کنید:

Дар пойтахти Тоҷикистон – шаҳри Душанбе аз содир шудани як амалӣ террористи пешгирӣ карда шуд.²⁴

Бино ба маълумоти маркази матбуоти Вазорати қорҳои дохилии ҷумҳурӣ, дар пойтахти кишвар мақомоти қудратӣ гурӯҳи террористонеро, ки анҷоми як силсила амалҳои террористиро тарҳрезӣ намуда буданд, безарар гардониданд. ... Бино ба маълумоти сомонӣ расмӣи ВҚД ҚТ, 23-юми сентябри соли 2013, соати 21:00 ба воситаи Шабакаи аввали Телевизиони Тоҷикистон барномаи махсуси телевизионӣ, вобаста ба дастгиршавии гурӯҳи муташаккили мусаллаҳи террористӣ, ки тариқи пинҳонӣ дар шаҳри Душанбе фаъолият намуда, қасди содир намудани амали террористиро доштанд, намоиш дода мешавад. ... Мақомоти Афғонистон хабар доданд, ки дар ин амалиёт 44 ҷангӣ кушта шудаанд ва дар миёни онҳо атҳои хориҷӣ низ ҳастанд. Шахсияти кушташудаҳо мушаххас нашудааст.²⁵

در این متن نیز تفاوتهای بارزی با فارسی معیار ایران دیده می‌شود: содир (صادر شدن یک عمل تروریستی) که در فارسی ایران به صورت «انجام دادن عملیات تروریستی» شناسه‌گذاری می‌شود. هم‌چنین در این متن ما ترکیب безарар гардониданд ...-ро қудратӣ (قدرت ... را بی‌ضرر کردند) را داریم که در فارسی ایران کاربردی ندارد و صورت «ختی کردن» و ... بیان می‌شود. در متن اخیر نیز به نظر می‌رسد واژه «سامانه» برگرفته از فارسی ایران است. واژه сентябри (سنتیوری) نیز همانند دیگر نامهای ماه‌ها در فارسی تاجیکی برگرفته از زبان روسی است. در این متن واژه дастгиршавии (دستگیرشوی) نیز به کار رفته است که در فارسی ایران به صورت «دستگیر شدن» به کار برده می‌شود. Шабакаи аввали (به واسطه شبکه اول) و тариқи пинҳонӣ (... طریق پنهانی ...) نیز در فارسی ایران به ترتیب به صورت «در شبکه اول» و «... به صورت پنهانی ...» شناسه‌گذاری می‌شود. در این متن هم‌چنین واژه «جنگی» به کار برده شده است که به نظر می‌رسد به معنای «جنگجو/ تروریست» است و واژه Шахсияти (شخصیت) نیز در این متن به جای «هویت» در فارسی ایران به کار رفته است.

Душанбе, 17 сентябр. (АМИТ «Ховар»)-Бегоҳии дирӯз Президенти кишвар Эмомалӣ Раҳмон ба ҷамоати деҳоти Хистеварзи ноҳияи Бобочон Ғафуров ташриф оварда, дар маросими ифтитоҳи мактаби хонандагони болаёқат ва варзишгоҳи дорӣи 7 ҳазор ҷойи нишаст иштирок намуд. ... Бинои мактаб аз 3 ошёна иборат буда, дорӣи 24 синфхона, аз ҷумла синфҳои компютерӣ, ташхисгоҳ ва озмоишгоҳҳои фаннӣ мебошад. Сохтмони иншоот соли 2012 оғоз ёфта, то имрӯз бо



харчи беш аз 11 миллион сомони ба поён расонда шуд. Толори маҷлисии мактаб тавре бунёд ёфтааст, ки дар он метавонанд чорабиниҳои гуногуни фарҳангӣ низ ба роҳ монанд. Мактаб дорои толори калони варзишӣ ва ҳам майдонҳои васеъ барои бозиҳои гуногуни варзишӣ мебошад.²⁶

واژه بегоҳии (بگاہ) در این متن پیش از دیرۆز (دیروز) به کار رفته است که در فارسی ایران چنین کاربردى را نمی‌بینیم و برای نمونه گفته می‌شود «دیروز آقای ...». واژه мактаби (مکتب) نیز در این متن برابر «مدرسه» در فارسی ایران است. ترکیب хонандагони болаёқат (خوانندگان بالیاقت) نیز در فارسی ایران مفهوم نیست و به نظر می‌رسد که به معنای «شاگردان ممتاز» است. چойи нишаст (جای نشست) نیز در معنای «صندلی» به کار رفته است. در این متن نیز به نظر می‌رسد که واژه варзишгоҳи (ورزشگاه) برگرفته از فارسی ایران است. در این متن هم‌چنین واژه ошёна (آشیانه) نیز در معنای «طبقه ساختمان» در فارسی ایران به کار رفته است. واژه‌های синфхона (صنف‌خانه) و синфҳои (صنف‌های) در این متن نیز برابر با واژه‌های «کلاس» و «کلاسهای» در فارسی ایران است. واژه ташхисгоҳ (تشخیصگاه) نیز مشخص نیست که در فارسی ایران دارای چه برابری است. به نظر می‌رسد ترکیب Толори маҷлисии мактаб (تالار مجلس مکتب) نیز در فارسی ایران دارای برابر «سالن همایش / گردهم‌آیی مدرسه» است. واژه чорабини (چاره‌بینی) در این متن نیز مشخص نیست که در فارسی ایران دارای چه برابری است. هم‌چنین در فارسی ایران واژه «کلان» با «تالار» و دیگر واژه‌ها همانند فارسی تاجیکی هم‌نشین نمی‌شود: толори калони (تالار کلان).

بررسی چند متن یادشده از فارسی تاجیکی نشان می‌دهد که انواعی از تفاوت‌ها میان این گونه فارسی با فارسی معیار ایران وجود دارد. هم‌چنین با اینکه فارسی تاجیکی به دلیل نزدیکی‌های جغرافیایی و قومی دارای اشتراکات بیشتری نسبت به فارسی ایران با فارسی افغانستان است، تفاوت خط این دو گونه فارسی از یک سو و سیاستهای زبانی و سرنوشت سیاسی متفاوت دو کشور در یکی دو قرن اخیر از سوی دیگر، باعث شده است که میان این دو گونه هم تفاوت‌های بسیاری شکل گیرد؛ با این همه، بررسی متنهاى فارسی تاجیکی نشان می‌دهد با اینکه تفاوت‌های واژگانی و ساختاری گونه‌های فارسی ایران و تاجیکستان گاه آن‌چنان زیاد می‌شود که در فهم‌پذیر

بودن متن برای فارسیدان ایرانی مانع ایجاد می‌شود، نمونه‌هایی از گرایش به کاربرد واژه‌های رایج در فارسی ایران- که به طور عمده در چند دهه اخیر از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ایران وضع شده است- در فارسی تاجیکستان و در واقع در متون رسمی و نوشتاری آن دیده می‌شود.

۴. نتیجه

با توجه به پژوهش کنونی می‌توان بیان کرد که در هر سه کشوری که زبان فارسی در آن از رسمیت برخوردار است، جایگاه این زبان به گونه‌ای با چالش روبه‌رو است: در ایران با وجود فراهم بودن بسترهای قانونی به نظر می‌رسد مهمترین مسأله جایگاه زبان فارسی، مسأله نسبت آن با دیگر زبانها و گویشهای محلی و قومی کشور است. در افغانستان مهمترین چالش جایگاه زبان فارسی، رابطه آن با زبان پشتو است که به نظر می‌رسد از چند دهه پیش سیاست رسمی بر برکشیدن آن در برابر زبان فارسی بوده است. در تاجیکستان مهمترین چالش جایگاهی زبان فارسی زیستن در سایه زبان روسی و فراهم نبودن زمینه‌های قانونی گسترش آن به عنوان زبان مشترک مردم این کشور است.

از نظر واگرایی واژگانی سه گونه فارسی ایران، افغانستان و تاجیکستان نیز مشخص شد که عوامل مختلفی در کار است: مسأله نخست این است که در این سه کشور به دلایل عمدتاً سیاسی، مسیرهای وامگیری واژگانی از زبانهای بیگانه در دوران معاصر متفاوت بوده است. مسأله دوم این است که سیاست متفاوت کردن فارسی افغانستان از گونه‌های اصلی دیگر این زبان، موجب وارد کردن واژگان و حتی ساختهای زیادی از زبان پشتو و انگلیسی به فارسی این کشور شده که آن را در مواقعی برای ایرانیان و تاجیکها فهم‌ناپذیر کرده است. مسأله تفاوت خط فارسی تاجیکی با فارسی ایران و افغانستان هم از دیگر عوامل واگرایی سه گونه اصلی زبان فارسی است. با همه اینها، گرایشهایی به کاربرد واژه‌های جدید فارسی وضع شده در ایران در فارسی تاجیکستان و افغانستان دیده می‌شود که نشان می‌دهد با برنامه‌ریزی زبانی دقیق، زمینه‌های بهره‌گیری گونه‌های سه‌گانه فارسی ایران، تاجیکستان و افغانستان از توانمندیهای یکدیگر فراهم‌شدنی است.

پی‌نوشت

۱. با وجود این در دوران معاصر، دامنه نفوذ و کاربرد زبان فارسی همواره در حال محدود شدن بودن است. این منبع اشاره می‌کند که از سال ۱۹۸۶ به این سو آموزش زبان فارسی در مدارس پاکستان کمتر شده است؛ در این زمینه هم‌چنین نگاه کنید به اختر چیمه (۱۳۷۷)، و اختر ارشاد (۱۳۷۵).

۲. Diglossia. این مفهوم نخستین بار در مقاله فرگوسن ۱۹۵۹ مطرح شده است، و به موقعیتی اشاره دارد که در آن به دلایل تاریخی، سیاسی یا دینی دو گونه زبان دارای کارکردهای متفاوت و ویژه‌ای می‌شود.

۳. واژه‌سازی برای زبان فارسی در بسیاری از موارد در پیوند با تلاشهایی بوده که برای پاسداشت هویت ایرانی انجام گرفته است و افراد مختلفی تلاش کرده‌اند با واژه‌سازی در برابر واژگان بیگانه یکی از نمادهای اصلی هویت ایرانی را تقویت کنند. این افراد محدود به روشنفکران و تحصیل‌کردگان نبوده‌اند، بلکه گاهی افرادی از طبقات بالا و حتی خاندانهای سلطنتی نیز به دنبال واژه‌سازی برای زبان فارسی در برابر واژه‌های بیگانه بوده‌اند برای نمونه در دوران قاجار، شاهزاده جلال‌الدین میرزا (۷۱-۱۸۳۲) در تلاش برای «پاکسازی» زبان فارسی از واژه‌های عربی، تلاش کرد نثری ساده‌راکه در آن تنها واژه‌های فارسی به کار می‌رود به وجود آورد. او بدین منظور حتی کتابی با عنوان «نامه خسروان» را به واژه‌های فارسی به نگارش درآورد که شامل تاریخ ایران از پیش از اسلام تا قرن نوزدهم بود (کیا، ۱۹۹۸، ۱۲ و ۱۱). ناصرالدین شاه قاجار هم در سفرنامه‌هایی که از سفرهایش به فرنگ نوشته واژه‌سازی‌های بسیار کرده است (در این زمینه نگاه کنید به حداد عادل، ۱۳۷۹).

۴. به نظر می‌رسد که نیاز به تأسیس فرهنگستانی برای زبان فارسی، نخستین بار در دوران ناصرالدین شاه و از سوی اعتمادالسلطنه مطرح شده است: «متأسفانه باید بگویم که زبان فارسی کنونی ما با زبانهای خارجی آمیخته شده است. در کشورهای آسیایی هیچ آکادمی [فرهنگستان] نیست که این مسأله را حل کند ...» (به نقل از کیا، ۱۹۹۸، ص ۱۶).

5. Language planning

6. Status planning

۷. توجه ما به جایگاه زبان فارسی در این سه کشور به معنای غفلت از جایگاه آن در کشورهای دیگر نیست. در این میان به نظر می‌رسد که بررسی جایگاه و وضعیت زبان فارسی در ازبکستان از اهمیت بیشتری برخوردار است چه اینکه بخش بزرگی از جمعیت این کشور را فارسی‌زبانان تاجیک تشکیل می‌دهند و بسیاری از شهرهای تاریخی، که زبان و ادب فارسی در آنها بالیدن گرفته است در این کشور قرار دارند. از سوی دیگر، گفته می‌شود که سیاست زبانی در ازبکستان بر تضعیف زبان فارسی استوار است و تلاشهای نظام‌مند برای ریشه‌کن کردن فارسی باعث شده است که وضعیت زبان فارسی در این کشور و بویژه در مناطقی چون بخارا، سمرقند و سرخان‌دریا خوب نباشد و گونه‌های فارسی تاجیکی این مناطق با فارسی تاجیکی تاجیکستان فاصله بسیاری بگیرد. «در یک مسافرت زمینی به این مناطق در ۲۰۰۳ متوجه شدم که افراد جوان این مناطق، که از دریافت آموزشهای رسمی فارسی/ تاجیک در مدرسه و رسانه‌ها محروم هستند در حال از دست دادن فهم‌پذیری دوسویه با تاجیکان خارج از مناطق خود هستند» (بیمن، ۲۰۰۶، ۱۱، ۱۲). بررسی

وضعیت و جایگاه زبان فارسی در ازبکستان نیازمند پژوهشهای جدایی است و به همین دلیل در این پژوهش جدای از اشارات کوتاه به آن نپرداخته‌ایم.

8. language of instruction

۹. بهره‌گیری از توان دیگر زبانها و گویشهای ایرانی برای تقویت زبان فارسی نیز اندیشه جدیدی نیست؛ برای نمونه، افرادی چون کرمانی که اقدامات شاهزاده جلال‌الدین میرزا را برای واژه‌سازی در برابر واژه‌های عربی موجب شکل‌گیری زبانی ساختگی می‌دانستند بر این باور بودند که به جای این کار می‌توان از ادبیات و واژگان زبانها و گویشهای مختلف ایران بهره گرفت (کیا، ۱۹۹۸، ص ۱۴).

10. Marine Corps Institute

۱۱. این واژه صورت نوشتاری واژه «پشتو» به الفبای مورد استفاده برای زبان پشتو است که تفاوتی با الفبای فارسی دارد. به علت نبود نشانه‌های نوشتاری پشتو در فونتهای مورد استفاده برای زبان فارسی این یک واژه با فونت دیگری در متن آمده است.

۱۲. مواد و مطالب نقل‌شده از قوانین اساسی مختلف افغانستان برگرفته از کتاب «قوانین اساسی افغانستان» در وبگاه «وزارت عدلیه افغانستان» است که نام گردآورنده آن مشخص نیست.

۱۳. تقدم یافتن زبان پشتو به زبان فارسی (دری) در قوانین عادی افغانستان هم دنبال شده است؛ برای نمونه در «لایحه تألیف و ترجمه»، که «شنبه ددلو ۱۷ ۱۳۴۳» در «رسمی جریده د افغانستان پادشاهی دولت رسمی خپروه» منتشر شده است نیز این موضوع دیده می‌شود. در این لایحه در شرایطی که برای تألیف برشمرده شده است در بند ۷ گفته می‌شود: «تا جایی که ممکنست باید کوشید اصطلاحات مخصوص و علمی به زبان ملی تألیف (پښتو یادی) ذکر شود والا اصطلاح عربی تا آخر بیک شکل و مفهوم بکار رود، اگر زبان تالیف فاقد اصطلاح بود استعمال لغت دخیل به شکلی که معمولترست ترجیح دارد، آن اصطلاحات و لغات خارجی که بحیث دخیل در زبان پذیرفته شده باید بدون تغییر استعمال گردد. از آمیزش لغات لاتین یا عربی و غیره پرهیز باید کرد» (ص ۶). نکته جالب این است که در این بند به زبان «دری» نیز همانند زبان «پښتو» به مثابه زبان ملی نگریسته شده است.

۱۴. توسعه

15. Corpus planning

16. Cyrillic

۱۷. مایل هروی (۱۳۶۴، ص ۳۳-۳۱) به نقش شوروی‌ها در جا انداختن و تثبیت سه نام «دری»، «فارسی» و «تاجیکی» برای زبان فارسی توجه نشان داده است. بیمن (۲۰۰۶، ص ۳) هم بر این باور است که اسم کنونی «تاجیکی» برای فارسی تاجیکستان و صورت کنونی آن در قرن بیستم به وجود آمده، و از دست‌ساخته‌های اتحاد شوروی و سیاستهای فرهنگی آن است.

18. <http://armanemili.af/>

19. <http://www.cheraghdaily.af/>

۲۰. بیمن (۲۰۰۶، ص ۵) ضمن اشاره به اینکه فارسی تاجیکی با گونه‌های دیگر این زبان دارای فهم-پذیری دوسویه است؛ اما نظامهای نوشتاری متفاوت ممکن است آنها را غیرقابل فهم برای یکدیگر نشان دهد، اشاره کرده که این مسأله دارای موارد مشابه دیگری نیز در جهان است: صربی و

کرواتی و هندی و اردو، در هر مورد، دو گونه برای گویشوران هم دارای فهم‌پذیری دوسویه است، اما خط‌های مختلفی برای نوشتن آنها به کار برده می‌شود. در واقع، صرب‌زبانها نظام نوشتاری سیریلیک و کرووات‌زبانها نظام نوشتاری لاتین را به کار می‌برند؛ هندی‌زبانها نیز نظام نوشتاری دوانگری (Devanāgarī) را برای نوشتن به کار می‌برند و اردوزبانها نظام نوشتاری فارسی-عربی را به کار می‌برند. بیمن (همان، ص ۱۰) هم‌چنین اشاره کرده است که گویشوران فارسی تاجیکی در موقعیتهای رسمی‌تر به فارسی ادبی گرایش نشان می‌دهند و در موقعیتهای غیررسمی و رودررو تمایل به کاربرد ساختهای تاجیکی دارند. به باور او این وضعیت شبیه موقعیت گونه‌های دموئیکی و کاترووسا در یونانی امروزی است.

۲۱. خواننده علاقه‌مند می‌تواند برای آگاهی از تفاوت‌های مختلف آوایی، واژگانی و نحوی فارسی تاجیکی با فارسی ایرانی به کلباسی (۱۳۷۴) مراجعه کند.

۲۲. بازنویسی این متن به خط فارسی به صورت زیر است:
در شهر بوستون (ای ام آ) یک تاجیک بازداشت شده‌است که با عبیدار شوئندگان در پرونده عمل تروریستی مرفانی این شهر شناسایی داشتست.

پولیس شهر اورلاندو (ایالت فلوریدا) زادی ۲۳ ساله تاجیکستان آشورممد میرالیورا بازداشت و به او عیننامه تهدید به جبر دیده از جنایت پیشنهاد کردست؛ اما راجع به محض در کدام جنایت بودنی آن معلومات داده نمی‌شود. میرالیوو دوستی ابراهیم تادشوو، زاده چچنستان بودست که ماه می سال روان از جانب آگنت بیورای فدرال تفتیشات (اف بی آر) هنگام بازپرسی آید به عمل تروریستی در شهر بوستون پراپیده شده بود. بنا به اطلاع بوستون مگزین حبس این جوان به هیچ گونه به تفتیش قضیه عملی تروریستی در بوستون و کشتار تاداشوو ربط ندارد. پس از کشته شدن تاداشوو نیز میرالیوو در همان منزل اقامت می‌کرد. یودرس می‌کنم که ابراهیم تاداشوو بنابر سبب شناساسی داشتنش با برادران تهرکن و جآخر سرنیوها که سازماندهندگان عمل تروریستی در مرفانی بوستون ماه آپریل سال ۲۰۱۳ محسوب می‌آیند، ماه می سال روان به بازپرسی دعوت شد. هنگام بازداشت تاداشوو از جانب نماینده بیوروی فدرال تفتیشات کشته شد. طبق اطلاع رسمی، تاداشوو با کارد به نماینده مقامات انتظامی حمله کرده، به خاطر حمایت کارمند بیوروی فدرال تفتیشات او را پراپیده‌است. اما در وی آ آ معلوماتی منتشر گردیده که موافق آن تاداشوو آن زمان از بازپرسی چندین ساعته اختیار را از دست داده با کارمند بیوروی فدرال تفتیشات درافتادست و با اینکار معلومات حکومتداران، او تپیانچه یا کارد با خود نداشتست.

۲۳. به نظر می‌رسد این ترکیب به معنای «یادآوری می‌کنم» است.

۲۴. برگرفته از <http://news.tj/tj> ۱۳۹۲/۶/۳۱

۲۵. بازنویسی این متن به خط فارسی به صورت زیر است:
در پایتخت تاجیکستان - شهر دوشنبه از صادر شدن یک عمل تروریستی پیشگیری کرده شد. بنا به معلومات مرکز مطبوعات وزارت کارهای داخلی جمهوری در پایتخت کشور مقامات قدرت گروهی تروریستانرو که انجام یک سلسله عمل‌های تروریستی را طرحریزی نموده نموده بودند بیضرر گردانیدند. ... بنا به معلومات سامانه رسمی وی کی دی چت بیست و سیوم سنتیوبری سال ۲۰۱۳، ساعت ۲۱ به واسطه شبکه اول تلویزیون تاجیکستان برنامه مخصوص تلویزیونی

وابسته با دستگیرشوی گروه متشکل مسلح تروریستی که طریق پنهانی در شهر دوشنبه فعالیت نموده، قصد صادر نمودن عمل تروریستی را داشتند، نمایش داده می‌شود. ... مقامات افغانستان خبر دادند که در این عملیات ۴۴ جنگی کشته شدند و در میان آنها اتباع خارجی نیز هستند. شخصیت کشته شده‌ها مشخص نشدست.

۲۶. بازنویسی این متن به خط فارسی به صورت زیر است:

دوشنبه، ۱۷ ستمبر. (امیت «خاور»)- بگاہ دیروز پرزیدنت کشور امام‌علی رحمان به جماعت دهات خیسیتیه‌ورزی ناحیه باباجان غفوراب تشریف آورده، در مراسم افتتاح مکتب خوانندگان بالیاقت و ورزشگاه دارای ۷ هزار جای نشست اشتراک نمود.... بنای مکتب از سه آشیانه عبارت بوده، دارای ۲۴ صنف‌خانه از جمله صنف‌های کامپیوتر تشخیصگاه و آزمایشگاه‌های فنی می‌باشد. ... تالار مجلس مکتب طوری بنیاد یافته‌است که در آن می‌توانند چاربینی‌های گوناگون فرهنگی نیز به راه مانند. مکتب دارای تالار کلان ورزشی و هم میدان‌های وسیع برای بازی‌های گوناگون ورزشی می‌باشد. ...

متن اخیر برگرفته از

<http://www.khovar.tj/president/29619-iftito1203i-maktabi-honandagoni-bolae1179at-dar-no1203iyai-bobo1207on-1170afurov.html> است.

منابع

- آشوری، داریوش، «روح علمی و زبان علمی»، *بازاندیشی زبان فارسی*، تهران: نشر مرکز، ص ۹۶-۸۵، ۱۳۷۲.
- احمد، ظهیرالدین؛ *آغاز و ارتقای زبان فارسی در شبه‌قاره*، لاهور: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و بخش اقبال‌شناسی دانشگاه پنجاب، ۱۳۷۸.
- اخترآشاد، نسربین؛ «موقعیت زبان فارسی در پاکستان»، *نامه پارسی*، ش ۲، ۱۱-۶، ۱۳۷۵.
- اختر چیمه، محمد؛ «مسائل تدریس زبان فارسی در دانشکده‌ها و دانشگاه‌های پاکستان»، *نامه پارسی*، ش ۹، ۱۴۳-۱۳۹، ۱۳۷۷.
- حداد عادل، غلامعلی؛ «ناصرالدین شاه واژه‌گزین»، *نامه فرهنگستان*، ش ۱۵، ص ۱۷۱-۱۵۹، ۱۳۷۹.
- حق‌شناس، علی‌محمد؛ «بلوای واژه‌سازی»، *نگین*، ش ۱۴۹، ص ۴۹-۴۶، ۱۳۵۶.
- -----؛ «زبان فارسی، از سنت تا تجدد»، *کلک*، ش ۷۱ و ۷۲، ص ۲۵-۱۱، ۱۳۷۴.
- -----؛ «واژه‌سازی درون متن، یک علاج قطعی»، *نشر دانش*، ش ۱، ۳۱-۲۷، ۱۳۷۹.
- فره‌وشی، احمد؛ «آموزش زبان فارسی به عنوان یک ابزار علمی در رشته‌های گوناگون دانشگاهی»، *سخنرانی‌های دومین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره زبان فارسی*، ص ۱۶۰-۱۵۰، تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳.
- *قوانین اساسی افغانستان (؟)*، برگرفته از سایت وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان:

- کرمانی، حاج محمدخان؛ رساله در اختراع خط جدید، کرمان: چاپخانه سعادت کرمان، ۱۳۵۰.
- مایل هروی، نجیب؛ «زبان فارسی و پیوند آن با هویت اسلامی در افغانستان»، *قلمرو زبان فارسی و آموزش زبان‌های بیگانه: هفت مقاله*، ص ۴۸-۱، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.
- -----؛ *تاریخ و زبان در افغانستان: علل تشتت فرهنگی و اجتماعی*، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۶۲.
- یاحقی، محمد جعفر؛ «کهن‌ترین تفسیر شیعه به زبان فارسی»، *جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد)*، ش ۶۹، ۲۶۴-۲۴۳، ۱۳۶۴.
- یوسفی، غلامحسین؛ «زبان فارسی: زبان فارسی بنیان فکر و فرهنگ ما» (تخلیص شده از کتاب «برگ‌هایی در آغوش باد»)، *کلک*، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۷-۹، ۱۳۷۰.
- Abdulghani, Muhammad, A Critical Survey of the Growth of Persian Language and Literature in India from the Earliest Times to the Advent of the Mughal Rule, Allahabad: The Allahabad Law Journal Press, 1941.
- Beeman, William O. Prsian, Dari, and tajik in Central Asia, Washington DC: The National Council for Eurasian and East European Research, 2006.
- Ferguson, Charles A, Diglossia, Word, 15: 325-340, 1959.
- Janse, Mark, "Language Death and Language Maintenance: Problems and Prospects", Language Death and Language Maintenance: Theoretical, Practical and Descriptive Approaches, edited by Mark Janse and Sijmen Tol, ix- xvii, Amsterdam: John Benjamins Publishing Company, 2003.
- Kia, Mehrdad, "Persian Nationalism and the Campaign for Language Purification", Middle Eastern Studies, Vol. 34, No. 2, P. 9- 36, 1998.
- Marine Corps Institute (?), Afghanistan: An Introduction to the Country and People, Washington DC: Marinne Barracks.
- Newman. Paul, "The Endangered Languages Issue As a Hopeless Cause", Language Death and Language Maintenance: Theoretical, Practical and Descriptive Approaches, edited by Mark Janse and Sijmen Tol, 1- 13, Amsterdam: John Benjamins Publishing Company, 2003.
- Windfuhr, Gernot, "Introduction to Iranian Languages", The Iranian Languages, edited by Gernot Windfuhr, P. 1- 4, London: Routledge, 2009.
- Windfuhr, Gernot, & John R. Perry, Persian and Tajik, The Iranian Languages, edited by Gernot Windfuhr, P. 416- 544, London: Routledge, 2009.